

تکمیل زیرساخت‌ها گلوگاه توسعه صنعتی در منطقه آزاد چابهار

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل منطقه آزاد چابهار به نقل از اخبار آزاد مناطق، سازمان منطقه آزاد چابهار در سال‌های اخیر تمام توان خود را بر روی ایجاد زیرساخت‌های متناسب با توسعه صنعتی، تولیدی و تجاری پایدار در منطقه متمرکز کرده است. همچنین تقویت اقتصاد منطقه‌ای با راهکار توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی، ایجاد شهرک‌های تخصصی، ایجاد صنایع بالادستی فولاد و پتروشیمی و... پیگیری می‌شود. جلب مشارکت جوامع محلی با راهکار توسعه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، گسترش کارآفرینی برای اهالی شهرهای اطراف از اولویت‌های سازمان منطقه آزاد چابهار است که براساس اصل مشارکت، هدف‌های راهبرد تقویت اقتصاد منطقه‌ای، بالا بردن سطح معیشت، زدودن فقر مطلق و کارآفرینی برای ساکنان چابهار و نواحی همجوار می‌باشد. بنابراین علاوه بر ایجاد شهرک‌های تخصصی و تجهیز کارگاه‌های صنعتی پایین دست فولاد و پتروشیمی، توسعه زیرساخت‌های گردشگری و تجاری سازی صنایع دستی در دستورکار این سازمان قرار دارد. ضمن آن که جلب مشارکت جوامع محلی، بیش از آن که اقدامی اقتصادی باشد، به عنوان مقوله‌ای فرهنگی و اجتماعی مدنظر قرار دارد که برای رسیدن به تمامی اهداف تعیین شده، تکمیل زیرساخت‌ها متناسب با برنامه‌ها و چشم‌اندازها در اولویت قرار دارد. به همین منظور با دکتر گرشاسب خزائی معاون فنی و زیربنایی سازمان منطقه آزاد چابهار به گفت‌وگو نشستیم که در ذیل می‌خوانید.

* شما فرمودید توسعه صنعت و تجارت هدف دوم منطقه آزاد چابهار است؛ چه زمان مناطق آزاد می‌توانند به هدف اصلی‌شان برای تبدیل شدن به قطب صادرات کالا دست پیدا کنند؟

پس از لجستیک، اولویت توسعه چابهار گسترش صنعت و تجارت است. توسعه صنعت به معنای احداث صنایع، راه‌اندازی کارخانجات، گسترش خدمات و بازرگانی، شکل‌گیری واحدهای تولیدی است که نهایتاً منجر به ایجاد اشتغال و صادرات کالا از منطقه آزاد به داخل کشور یا کشورهای هدف شود. در حوزه صنعت اتفاقات خوبی در سال‌های اخیر در منطقه آزاد چابهار افتاده است. رشد شاخص‌های اقتصادی در حوزه اشتغال و صادرات همین روند را نشان می‌دهد، ولی نسبت به انتظارات و ظرفیتی که چابهار می‌تواند داشته باشد، فاصله داریم. اگر بخواهم علت را در یک جمله خلاصه کنم، کلیدش عدم ایفای نقش صحیح دولت در فراهم‌سازی حمایت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای توسعه صنعت است. در واقع اهداف توسعه صنعتی محقق نمی‌شود، چراکه زیرساخت‌های لازم برای صنعت و حتی بازرگانی تکمیل نشده است و لذا تولید در منطقه آزاد چابهار برای صنعتگر توجیه لازم را ندارد.

حال صنعت چه زیرساختی می‌خواهد؟ برای آنکه راه‌اندازی یک صنعت توجیه داشته باشد، انرژی ارزان می‌خواهد، نزدیکی به بازار مصرف را می‌خواهد، دسترسی به مواد اولیه ارزان، نیروی انسانی ماهر و ارزان، امکانات لجستیک و شبکه بالادستی برای تکمیل زنجیره ارزش تولید. این لیست که بنده اشاره کردم را با امکانات و واقعیت‌های موجود منطقه آزاد مقایسه بفرمایید. طبیعی است که در این شرایط سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان تمایلی به حضور موثر نداشته باشند.

یک تولیدکننده که به دنبال احداث یک واحد صنعتی است، منطقی است که برود در بخش‌های برخوردار کشور هزینه کند. در محدوده شهرهای اصلی، می‌تواند گاز را با لوله‌کشی درب واحد تحویل بگیرد، به بازار مصرف بزرگ دسترسی دارد، نیروی ماهر با یک فراخوان و به قیمت ارزان مهیا است و با شبکه‌ای از راه‌آهن و بزرگراه می‌تواند مواد اولیه خود را به کارخانه بیاورد. در مقابل شرایط چابهار را ملاحظه نمایید؛ جمعیت کم شهری با سرانه پایین درآمدی، ظرفیت بزرگی برای مصرف کالا فراهم نمی‌کند. برای رسیدن به یک واحد جمعیتی متمرکز هم، کالا را در مسافت حدود ۷۰۰ کیلومتر باید حمل کنید. در مورد نیروی کار هم نگرانی‌های جدی وجود دارد، مراکز

آموزشی محدود است و غالب سرمایه‌گذاران و پیمانکاران گله‌مند از کمبود نیروی ماهر هستند. اگر به اینها محدودیت دسترسی به مواد اولیه و تکنولوژی را هم اضافه کنید، متوجه می‌شوید که طبیعی است که سرمایه‌گذاری در خیلی از صنایع توجیه ندارد. لذا اینکه صرفاً انتظار داشته باشیم بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کند و ریسک بپذیرد، کافی نیست؛ بایست از طرف دولت حمایت شود و حتی در بخش‌هایی خود دولت مستقیماً سرمایه‌گذاری کند.

در واقع اگر هدف جذب سرمایه‌گذاری است، ابتدا دولت باید خود وارد شود و راساً سرمایه‌گذاری کند، تا برای بخش خصوصی هم ریسک سرمایه‌گذاری توجیه‌پذیر گردد. بسیاری از دولت‌ها به اشکال متنوع از توسعه صنعت حمایت می‌کنند؛ زمین را به صورت رایگان در اختیار صنایع قرار می‌دهند، زیرساخت‌ها را احداث می‌کنند، در مواردی سوبسید می‌پردازند، زمانی تسهیلات ارزان قیمت ارائه می‌دهند و حتی در مواردی صنایع تکمیلی را خود راه‌اندازی می‌کنند تا زنجیره تولید شکل بگیرد.

نقش دولت بسیار مهم است، چه از بعد حمایتی و چه از جنبه سیاست‌گذاری. دولت است که با تعیین اولویت‌ها و هدایت منابع به بخش‌های صنعتی مختلف، سرمایه‌گذاری را هدایت می‌کند. وظیفه دولت است که گلوگاه‌ها را شناسایی کند، اولویت‌هایتان را انتخاب کند و با تمرکز منابع و تسهیل فرآیندها به بخش خصوصی کمک کند تا صنعت در یک منطقه شکل گیرد. این می‌شود نگاه علمی و با برنامه. اینکه صرفاً شعار بدهیم، اتفاقی نمی‌افتد؛ همان طور که طی سالیان نیفتاده است. وظیفه ماست که نگاه کارشناسی را وارد اجرا و سامانه مدیریت منطقه آزاد کنیم.

* اگر گلوگاه را شناسایی کرده‌اید، چه اقداماتی انجام داده‌اید یا در اولویت گذاشته‌اید تا آن رشد اقتصادی که گفتید مطلوب است، شکل بگیرد؟

اول باید به مزیت‌های چابهار توجه کنیم و هدفمند به دنبال سرمایه‌گذاران صنایع حرکت کنیم. علیرغم همه مواردی که عرض کردم، ما در چابهار مزیت‌های قابل ملاحظه‌ای داریم که نیاز صنایع کشور است. اول نزدیکی به دریا و دسترسی به ذخایر نامحدود آبی. این مزیت مهمی است که باعث انتقال خیلی از طرح‌های توسعه صنایع آب‌بر از مرکز کشور به سواحل چابهار شده است. علاوه بر طرح‌های پتروشیمی و فولاد مکران که قبلاً در این منطقه اجرای شده است، به تازگی یک طرح ۱۰ میلیون تنی فولاد از سوی کنسرسیومی معتبر در منطقه جانمایی شده است.

مزیت دوم شیلات است. سهم قابل توجهی از صیادی کشور در منطقه چابهار و کنارک صورت می‌گیرد. این صنعت تا حد زیادی به شکل سنتی انجام می‌گیرد و فاقد مزیت‌های قابل توجه است. چندی پیش سرمایه‌گذارانی از ژاپن آمده بودند و علاقه به سبک خاصی از صید داشتند که برای تهیه غذای سوشی استفاده می‌شد. خیلی هم علاقه‌مند بودند و مبالغی که برای خرید پیشنهاد می‌دادند، چندین برابر قیمت فروش صید معمولی بود؛ ولی انجام آن نیازمند سرمایه‌گذاری و آموزش است. این فرصت فوق‌العاده‌ای است که بلااستفاده مانده است. در منطقه آزاد چابهار، شهرک شیلاتی به عنوان یک مجتمع صنعتی برای تولید، فرآوری و صادرات شیلات در پیکره صنعتی منطقه آزاد جانمایی شده است. شهرکی با ظرفیت بالا برای پشتیبانی از صیادان و تولیدکنندگان آبزیان و البته مرکزی برای توسعه صادرات محصولات این صنعت. این شهرک دارای بخش‌های آموزشی، بسته‌بندی، تولید محصولات جانبی و ... است که اجازه می‌دهد صادرات شیلات مقرون به صرفه و اقتصادی گردد.

مزیت سوم، دسترسی به بازارهای فعال در کشورهای همسایه و هدف است. افغانستان، پاکستان و حتی کشورهای آسیای میانه ظرفیت‌های بالایی دارند که هنوز نتوانسته‌ایم به درستی از آنها استفاده کنیم. افغانستان معادن غنی دارد که به علت کمبود ظرفیت‌های صنعتی بلااستفاده مانده‌اند یا به صورت خام به کشورهای اروپایی صادر می‌شوند؛ به عنوان نمونه معادن سنگ افغانستان شهرت بین‌المللی دارند. ایجاد صنایع معدنی در چابهار می‌تواند این ظرفیت صادراتی را فعال کرده و ارزش افزوده برای هر دو کشور همسایه

ایجاد کند. بازار پاکستان را اگر در نظر بگیرید، فرصت‌های بالای اقتصادی دارد که می‌تواند به عنوان بازار صادراتی برای آن برنامه‌ریزی کرد. همین حالا صنایع فعال در حوزه پلاستیک در حال صادرات به کشورهای همسایه هستند. اگر صنایع بالادستی پتروشیمی به بهره‌برداری برسند، صنایع مشابه حتی توجه بیشتری برای سرمایه‌گذاری خواهند داشت. البته جذب سرمایه‌گذار و راه‌اندازی این صنایع نیاز به زیرساخت‌هایی دارد که بایست از طرف دولت و توسط منطقه آزاد فراهم گردد.

* شما به زیرساخت به عنوان گلوگاه اشاره کرده‌اید، در منطقه آزاد چابهار چه زیرساخت‌هایی برنامه‌ریزی و یا در حال اجرا است؟

توسعه صنعت بر مبنای احداث کارخانجات و کارگاه‌ها، نیازمند یکسری زیرساخت‌ها است. زیرساخت‌ها شامل آب و برق، مخابرات، جاده، فرودگاه و امثال آن است. با تلاش زیاد صنایع سنگین در منطقه آزاد جانمایی شده است، ولی راه‌اندازی پلنت‌های پتروشیمی و فولاد نیازمند تامین انرژی و تکمیل پروژه انتقال گاز است. برای این منظور خطوط لوله‌ای به طول ۲۰۰ کیلومتر به قطر ۵۶ اینچ که از خط سراسری هفتم منشعب می‌شود در حال احداث است که تکمیل آن می‌تواند توسعه خیلی از صنایع در منطقه را توجیه کند. این پروژه در برخی فازها تا ۳۰ درصد پیشرفت داشته است و با توافقاتی که وزرات دفاع و نفت انجام داده‌اند، امیدواریم سرعت گیرد.

نیاز زیرساختی دوم، آب است. خیلی از طرح‌ها برای احداث صنایع آب بر شروع شده است، ولی متأسفانه هنوز آب لازم برای اینکه این اتفاقات بیفتد، نداریم. این طنز تلخی است که کنار دریا هستیم ولی آب نداریم. برآوردها می‌گویند برای همین صنایع دارای مجوز در منطقه آزاد چابهار، بیش از ۱۰۰ هزار مترمکعب آب باید داشته باشیم، ولی میزانی که تولید می‌شود و سهمی که منطقه آزاد فعلاً دریافت می‌کند کمتر از ۵ هزار مترمکعب است. ما صنایع خیلی سنگین و قوی را آوردیم پتروشیمی داریم، فولاد داریم، همه اینها آب می‌خواهد؛ اصلاً به خاطر آب و کنار دریا بودن آمدند اینجا نشستند. ما نتوانستیم زیرساخت‌ها را آماده کنیم. حداقل اینکه تا زمانی که آنها به بهره‌برداری می‌رسند، باید این اتفاقات بیفتد. اولین فاز پتروشیمی برنامه باید سال ۱۴۰۰ به بهره‌برداری برسد، تا آن زمان باید آبگیر و تاسیسات نمک‌زدایی با حجم بالا ساخته شده باشد و تاسیسات انتقال آب به بهره‌برداری برسد. البته سرمایه‌گذاران خوبی آمده‌اند و اقداماتشان را هم شروع کرده‌اند، مجوزها را گرفته‌اند، کنسرسیوم درست کرده‌اند، زمین گرفته‌اند و در حال آمادگی برای فازهای اجرایی هستند.

در ارتباط با برق دو جنبه متفاوت وجود دارد: اول تامین برق و دوم انتقال و توزیع آن. در زمینه تامین برق صنایع کوچک خدا را شکر مشکلی نداریم و ظرفیت مازاد هم داریم. ولی شبکه توزیع فرسوده بوده و برخی صنایع تازه احداث را پوشش نمی‌داد. امسال برای این معضل هم پروژه خوبی تعریف شده است و مناقصه اجرایی آن در مرحله بازگشایی پاکات است، با اجرای این پروژه، کمبودی از جهت دسترسی به شبکه برق نخواهیم داشت.

در مورد راه و راه‌آهن هم در مصاحبه قبلی خدمتتان عرض کردم اقدامات خوبی در جریان است و البته در برنامه‌ریزی برای تمامی این اقدامات، نیازهای صنعت و به ویژه صنایع سنگین لحاظ شده است یا حداقل به مجموعه‌های فرادستی و ملی، این نیازها متذکر شده است.

یک اقدام مهم که در حوزه زیرساخت صورت گرفته است، برنامه‌ریزی یکپارچه توسعه زیرساخت صنایع است. متأسفانه پیش از این هر حوزه به صورت مجزا، اقدامات خود را جلو می‌برد. بندر به تنهایی و بدون توجه به نیازهای صنعت طراحی شده است، آب شیرین‌کن به همین شکل، راه‌آهن هم همین طور. امروز در منطقه آزاد چابهار تمامی این برنامه‌ریزی‌ها تجمیع و در قالب کمیته‌ای ویژه با همکاری ایمیدرو به صورت یکپارچه برنامه‌ریزی می‌شود. یعنی شاید از تجارب استثنایی کشور باشد که تمامی صنایع و حوزه‌های زیرساختی مانند بندر و راه‌آهن یکجا جمع می‌شوند و مسائل را حل می‌کنند. به عنوان نمونه پتروشیمی در فاز اول، محصولات تولیدی خود را به صورت مایع منتقل و صادر خواهد کرد. پس راه‌اندازی پتروشیمی نیازمند خطوط لوله و البته اسکله‌های تخصصی برای پشتیبانی از این فعالیت

است که باید در طرح توسعه بندر دیده شود. در مورد فولاد هم همین نگرانی است. حجم زیادی از مواد اولیه فولاد به صورت فله باید از بندر حمل شود که علاوه بر تجهیزات بندری خاص، ایستگاه راه آهن هم نیاز دارد که در ارتباط با مجتمع فولاد باید احداث شود. برای اولین بار تمام این برنامه‌ریزی‌ها به صورت جامع دیده می‌شود، حتی حوزه‌های فرادستی مثل طرح جامع شهری چابهار درگیر شده‌اند که ان شاء الله اگر ظرفیت صنعتی منطقه ایجاد شود، بتواند با حداکثر ظرفیت کار کند و معطل زیرساخت‌ها نباشد.

* یکی از نگرانی‌ها دقیقاً همین مورد است، که آیا توسعه صنعت همخوان و هم‌راستا با مشخصات شهر صورت می‌گیرد؟

نگرانی کاملاً درستی است؛ ملاحظه کنید وقتی یک مجتمع صنعتی در یک منطقه راه‌اندازی می‌شود، نیازمند حجم قابل توجهی از مشاغل و خدمات پشتیبانی است که تمامی آنها را از شهر دریافت می‌کند. در صورتی که شهر این ظرفیت و قابلیت را نداشته باشد، کارایی صنعت دچار مخاطره است.

برای اینکه عرض خود را به درستی منتقل کنم، بگذارید یک نمونه شرح بدهم. مهندسی که در صنعت پتروشیمی مشغول است، جزء گران‌ترین مشاغل در حوزه خود است. هزینه ایجاد یک شغل در پتروشیمی حدود سه میلیارد تومان است. طبیعی است شخصی که با این هزینه‌ها آموزش دیده و حالا آمده است در منطقه‌ای دور از مرکز فعال شده است، نیازمند حداقل‌های رفاهی است. اسکان مناسب می‌خواهد، حمل و نقل خوب می‌خواهد، امکانات رفاهی و تفریحی مناسب لازم دارد که بتواند متخصصان و خانواده‌هایشان تا در این صنعت حفظ کرد. اگر توسعه فضاهای مسکونی و تفریحی را مدنظر داریم، یک جنبه آن فراهم کردن شهری است که بتواند این دست متخصصان را در خود جای بدهد. در توسعه شهرستان چابهار که طبیعتاً منطقه آزاد را هم در برمی‌گیرد، بایست به جنبه‌های خدمات پشتیبانی صنعتی توجه خاص کنیم.

* در گفته‌هایتان به توسعه پایدار تاکید زیادی داشتید، نگرانی‌هایتان از جنبه توسعه پایدار چیست؟

نکته حساس و دقیقی را اشاره کردید. باور داریم که توسعه اگر پایدار نباشد، نه تنها مداوم نخواهد بود، بلکه هزینه‌ها و لطمات بیشتری از منافع خود می‌تواند ایجاد کند. توسعه پایدار مدعی است که رشد اقتصادی و صنعتی تا زمانی پایدار خواهد بود که به جنبه‌های اجتماعی و زیست محیطی توسعه هم بها داده شود.

از جنبه اجتماعی، بحث‌ها و نگرانی‌های جدی وجود دارد که باید به آن توجه شود. وقتی صنعتی وارد یک محیط بومی می‌شود، طبیعتاً تغییراتی ایجاد می‌کند که عدم مدیریت صحیح آنها می‌تواند لطمه ایجاد نماید. چابهار جامعه بومی دارد که بافت قومی، فرهنگی و اجتماعی خاصی را دارا می‌باشند. وقتی درباره توسعه صنعت در این بافت خاص صحبت می‌کنیم، باید به اشتغال، مهاجرت و تغییرات فرهنگی ناشی از این توسعه هم توجه نماییم.

تمام برنامه‌های ملی برای توسعه صنعتی در شرق کشور، بدون مشارکت جامعه بومی ممکن نخواهد بود. این طور بگویم، حق جامعه بومی است که از مزایای این توسعه بهره‌مند شود. اگر اشتغال ایجاد می‌شود، باید سهمی هم از افراد بومی داشته باشد؛ اگر بهره‌مندی است، باید بخشی از ایجاد ثروت به جامعه محلی اختصاص پیدا کند.

البته فراهم کردن این شرایط نیازمند تلاش و سرمایه‌گذاری‌هایی است، که از دیدگاه کارشناس توسعه می‌گویم حتماً بازگشت قابل قبولی خواهد داشت. برای آموزش افراد باید برنامه‌ریزی شود و البته سرمایه‌گذاران بخش‌های صنعتی نیز باید متعهد شوند که در اقداماتشان سهمی را برای جامعه محلی قائل شوند. با این روش طبیعی است که جامعه محلی هم متمایل خواهد بود که همکاری کند، زمین‌هایش را

در اختیار صنعت قرار دهد، آلودگی محیط زیست را قبول کند، ترافیک و مزاحمت را تحمل کند و البته به جامعه مهاجرین خوش آمد بگوید. این نیازمند تلاش دو طرف و البته شکل‌گیری یک فضای گفتگوی سازنده است.

به عنوان نمونه توسعه بندر شهید بهشتی را ملاحظه کنید، توسعه بندر نیازمند اختصاص فضاهای پسرانه‌ای است که عملاً در فضای تنفسی و تفریحی شهر قرار گرفته است. تنها فضای دسترسی ساکنین شهر به دریا، باید اختصاص پیدا کند به مسیر دسترسی راه‌آهن و اتصال به بندر؛ اگر قرار است این فداکاری از سوی شهر اتفاق بیفتد، قاعدتاً باید از مزایای توسعه بندر هم سهم بگیرد، آن وقت خود ساکنین شهر می‌شوند مدافع و حامی توسعه بندر و خیلی از تضادهای موجود برطرف گردد. اینها نیازمند یک گفتگوی صادقانه و البته برنامه‌ریزی دقیق است.

* در زمینه جنبه‌های زیست محیطی توسعه پایدار چه اقداماتی صورت گرفته است؟

منطقه آزاد چابهار در یک نقطه بکر جغرافیایی در فاصله کم از خلیج چابهار قرار گرفته است و این باعث شده که هر اقدام برای توسعه صنعتی، ظرفیت‌ها و تهدیدات برای محیط زیست فراهم کند که نمی‌توانیم نسبت به آنها بی‌توجه باشیم. برای اینکه اهمیت موضوع درک شود، فقط کافی است نگاهی به شرایط موجود در سایت‌های صنعتی مشهور کشور داشته باشیم. عسلویه با این ظرفیت عظیم ملی، ولی مخاطرات جدی برای ساکنین آن منطقه ایجاد کرده، برداشت آب در جلگه اصفهان تضادهای اجتماعی فراوانی را باعث شده است. در خوزستان، در اراک، در ارومیه و... امروز معضلات جدی زیست محیطی داریم که هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را برای کشور ایجاد کرده است. حالا که همت ملی جمع شده است تا چابهار توسعه یابد، باید از این تجارب درس بگیریم و قدم‌ها را با احتیاط برداریم. باید توسعه صنعت به نحوی باشد که زیست بوم منطقه به عنوان میراث ملی آسیب نبیند، اقتصاد محلی که عمدتاً مبتنی بر شیلات و صیادی است، دچار مخاطره نشود و البته مزیت‌های گردشگری منطقه تخریب نگردد.

خلیج چابهار یک محیط محدود دارد که آبگیری و تخلیه پساب به آن بایست با دقت انجام گیرد، جنس زمین و توپوگرافی آن به نحوی است که آب‌های روان با شدت و سرعت بالا به سمت خلیج جاری می‌شود و اگر آلودگی‌های صنعتی به خوبی مدیریت نشود، حجم زیادی از آلودگی به این منطقه سرازیر می‌گردد. به همین دلیل در طرح توسعه منطقه آزاد که در مرحله تصویب مجلس شورای اسلامی قرار دارد، عمده صنایع سنگین و آب‌بر به منتهی‌الیه منطقه و ساحل اقیانوس منتقل شده است و توسعه صنایع آلاینده در پیکره ۱۴ هزار هکتاری موجود محدود شده است. برای همین منظور مطالعات آب‌های روان در منطقه آزاد انجام شده است و طرح جامعی برای مهار این مخاطرات تهیه شده است.

